

مکه؛ آرمان شهر امت اسلامی

نصرالله آقاجانی / استادیار دانشگاه باقرالعلوم ع

nasraqajani@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۱

چکیده

رویکردهای گوناگونی برای پاسخ به سؤال از چگونگی جامعه مطلوب اسلامی و تدوین الگویی از اصول و ویژگی‌های آن، وجود دارد. پس در این مجال، هدف این مقاله ارائه جامعه مطلوب اسلامی با توجه به مقدس‌ترین شهر اسلامی، یعنی مکه و ویژگی‌های این شهر بر اساس آیات و روایات است. این یک رویکرد توصیفی و اکتشافی و در عین حال، ارزشی است که تلاش می‌کند با مراجعه به منابع نقلی، چهره یک جامعه و شهر مطلوب اسلامی را نشان دهد. مکه و مهم‌ترین نماد آن، یعنی کعبه سرشار از معانی عمیق توحیدی و ملامات از نمادهای ارزشی و انسانی است. ویژگی‌هایی از قبیل نخستین بیت برای انسان‌ها، کانون هدایت و برکت، دارای عزت، شکوه، امنیت، پرچم برافراشته توحید برای جهانیان، دربرگیرنده همه نژادها و قومیت‌ها برای بازشناسی یکدیگر و جهت بهره‌مندی از منافع این اجتماع بزرگ، تحت دو رکن اساسی ولایت الهی و برائت از مشرکان، ظرفیت ارزشمندی را به مکه برای تحقق جامعه‌ای با هویت اسلامی داده است.

کلیدواژه‌ها: مکه، آرمان شهر، مدینه فاضله، کعبه، امت اسلامی.

ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

جوامع گوناگون، به تناسب فرهنگ و مبانی ارزشی و اعتقادی خود، صورت‌های مختلفی از آرمان‌شهر یا جامعه آرمانی را ترسیم می‌کنند. بی‌تردید از آموزه‌های اسلامی در قرآن و روایات، به صورت نظری و اعتقادی می‌توان آرمان‌شهر اسلامی را ترسیم کرد. هرچند تحقیقات بسیاری در این زمینه در قالب کتاب و پایان‌نامه انجام شده است، ولی سؤال این است که آیا در آموزه‌های اسلامی، به صورت مصداقی، می‌توان شهری را به‌عنوان آرمان‌شهر اسلام نشان داد که خصوصیات و ویژگی‌های آن ترسیم شده باشد؟ این تحقیق، درصدد بررسی این موضوع در آیات و روایات است. اصل ایده مدینه فاضله، و تلاش نظری در این باره، پیشینه طولانی در تاریخ اندیشه بشری و مهم‌تر از آن، در تعالیم انبیاء الهی دارد. اولین بار شیخ اشراق، واژه «ناکجا‌آباد» را برای جامعه آرمانی به کار برده است (سهروردی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۳). فارابی، اصطلاح مدینه فاضله را با توجه به رئیس جامعه یا ملک و با ویژگی‌های خاصی تعریف می‌کند. مدینه فاضله در این اصطلاح، جامعه‌ای است که مردم آن در مکان واحدی، تحت ریاست کسی زندگی می‌کنند که توانسته اجزاء جامعه را به گونه‌ای منسجم سازد که برای تحصیل خیرات و ازاله شرور برای رسیدن به سعادت حقیقی با یکدیگر تعاون دارند (فارابی، بی‌تا، ص ۸۹-۹۰ و ۹۵). در علوم اجتماعی، آرمان‌شهر یا مدینه فاضله، به معنای رؤیای کمال اجتماعی است که امری ذهنی و غیرقابل وصول است. در عین حال، بر داشتن طرح و ایده برای بهبود اوضاع سیاسی و اجتماعی و اینکه هر مصلح اجتماعی باید بر مدلی آرمانی تکیه کند، تأکید می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۴۴۳). در بین فیلسوفان، فارابی جایگاه بلندی داشته و برخلاف برخی پندارهای ناصواب، طرح نظری او همچنان قابلیت بهره‌گیری برای ارائه یک الگوی نظری را حفظ کرده است. ایده مدینه فاضله، مبتنی بر آموزه‌های اسلام بخصوص مهدویت، کتب و مقالات فراوانی را به خود اختصاص داده، ولی توجه به مکه و نماد اصلی آن یعنی کعبه، به مثابه الگویی برای جامعه آرمانی اسلام، کمتر مورد بررسی مستقل و برجسته قرار گرفته است، هرچند در لابه‌لای سطور منابع مربوط به حج، به ابعاد اجتماعی آن توجه شایانی شده است.

در اسلام، بسیاری از حقایق آرمانی وجود دارد که اهتمام و حرکت به سوی آنها مورد خواست خدای متعال است. نظیر شخصیت پیامبر اسلام و همه انبیاء الهی، اولیاء و ائمه معصومین^{علیهم‌السلام}، که اسوه‌های حقیقی و متعالی بشریت هستند. با این حال، این حقایق آرمانی نظیر و بدیلی در بین مردم

ندارد. از جمله این حقایق آرمانی و بسیار رفیع و بی‌بدیل، جایگاه شهر مکه در آیات و روایات از جهت ویژگی‌ها و نوع نسبت مردم با آن است که هم‌اوردی برای آن وجود ندارد. هرچند ویژگی‌های ممتاز مکه، مانع همسانی شهر یا جامعه‌ای در تراز آن است، ولی هیچ‌گاه مانع الهام‌گیری جوامع اسلامی از آن نمی‌شود. سؤال اصلی این است که مکه به مثابه یک شهر، که در آموزه‌ها و نصوص اسلامی از ویژگی‌های مهم عبادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برخوردار است، آیا می‌تواند نمادی الهام‌بخش از جامعه آرمانی - توحیدی اسلام باشد؟ آیا از نصوص اسلامی، می‌توان مکه را به مثابه آرمان‌شهر امت اسلامی استفاده کرد؟

مکه

مقصود از مکه و ویژگی‌های آن، همان شهری است که جایگاه و کارکردهای آن در قرآن و روایات بیان شده است. مکه به مثابه آرمان‌شهر اسلامی، یعنی مکه با همه اجزاء هویتی و عنصری آن؛ یعنی شهری که دارای کعبه، مسجدالحرام و مشاعر مقدسی است که در مجموع، هویت و آثار خاصی را از جهت فرهنگی و زیست‌انسانی به همراه دارد. لذا ویژگی‌های مربوط به کعبه و مشاعر و امثال آن، داخل در شهر مکه است؛ هرچند متأسفانه مکه در دست اشرار صعودی اسیر است و آثار و برکات عظیم آن، در ابعاد گوناگون به منصفه ظهور نرسیده است.

این مقاله درصدد است نسبت جوامع اسلامی را با مکه مورد نظر اسلام، از جهت هویت‌یابی و الهام‌پذیری از ویژگی‌های آن، مورد مذاقه قرار داده، نقش مکه و کانون آن، یعنی کعبه را در هویت متعالی جوامع اسلامی بررسی نماید. روشن است ضرورت این دست تحقیقات، به اهمیت و ضرورت حرکت به سوی مدینه فاضله بازمی‌گردد. از سوی دیگر، سه حوزه فرهنگ، سیاست و اقتصاد، از مهم‌ترین ارکان هویت‌یابی هر جامعه‌ای است، ولی این مقاله تلاش می‌کند ابعاد هویت‌بخش مکه برای جوامع اسلامی را در دو حوزه مهم فرهنگی و سیاسی نشان دهد. هرچند تفکیک کامل ابعاد سیاسی از ابعاد فرهنگی نه مقدور است و نه مطلوب.

حوزه فرهنگی

در حوزه فرهنگی، به دنبال تبیین ویژگی‌هایی از قبیل باورها، ارزش‌ها، نمادها و رفتارهای معناداری هستیم که بنیان زندگی و حیات مطلوب را نشان می‌دهد. از این جهت، تابلوی بزرگی از مکه به مثابه آرمان‌شهر امت اسلامی را ترسیم می‌کند.

آرمان شهر اسلامی

آرمان شهر بودن مکه را با تعابیر گوناگونی از قرآن و روایات می‌توان استفاده کرد؛ تعابیری که بیانگر عظمت، حرمت و قداست بی‌نظیر شهر مکه بوده و لزوم اهتمام شایسته مسلمین به آن را نشان می‌دهد. برخی از این تعابیر، هرچند مربوط به کعبه است، ولی مکه به دلیل آنکه کعبه محسوب می‌شود، از شرافت و ویژگی‌های ممتازی برخوردار خواهد بود:

الف. «ام‌القری»، یکی از نام‌هایی است که بر مکه اطلاق شده است: «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا» (انعام: ۹۲). مفسران برای تعبیر «ام‌القری» و جوهری را بیان کرده‌اند. از قبیل اینکه قبله اهل قری است یا اولین خانه‌ای است که برای انسان‌ها قرار داده شده است و قری از آن نشئت گرفته‌اند، یا از این جهت که دعوت الهی از این مکان آغاز شد و دیگر قری فرع آن می‌باشد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۲۱۵).

ب. تعبیر «مَثَابَةٌ» برای کعبه: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا» (بقره: ۱۲۵). مثابه از ریشه «ثوب»، به معنای تکرار و بازگشت و یا محل رجوع مکرر است. ابن‌منظور، در تعریف مثابه چنین گفته است: «المَثَابَةُ: الْمَوْضِعُ الَّذِي يُثَابُ إِلَيْهِ أَوْ يُرْجَعُ إِلَيْهِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى. وَ مِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا» (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۴۴). جایی که انسان دوباره به آن برمی‌گردد، «مثابه» نامیده می‌شود. رجوع مکرر به مکه و زیارت خانه خدا در هر سال، بیانگر ضرورت توجه و تأسی به آن و تحصیل منافع و برکات دائمی آن است.

ج. وجوب سفر مستطیع به مکه برای انجام اعمال حج، نشان از اهمیت بسیار بالای مکه دارد. «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (آل‌عمران: ۹۷). در اسلام، سفر به هیچ شهری واجب نیست، مگر با عناوین ثانویه از قبیل نذر و عهد و امثال آن. ولی سفر به مکه برای اعمال حج، برای افراد مستطیع، یک بار در همه عمر واجب است و تکرار آن مستحب می‌باشد. این حکم الزامی و استجابی، نشان از اهمیت مکه و کعبه و ضرورت توجه به آن، به‌عنوان موضوعی آرمانی و محبوب دارد.

د. کعبه به‌عنوان قبله‌گاه مسلمانان، با احکام واجب و مستحب خود، بالاترین نشانه اهمیت و دلدادگی آن را شبانه‌روز به مسلمانان یادآوری می‌کند: «ما [به هر سو] گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم پس [باش تا] تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی برگردانیم پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا بودید روی خود را به سوی آن بگردانید» (بقره: ۱۴۴). این شدت اهتمام،

بیانگر جایگاه آرمانی کعبه و مکه به عنوان شهر توحیدی بوده، ضرورت اقبال و الگوگیری از آن را آشکار می سازد. امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلنَّاسِ» (نهج البلاغه، خ ۱). قبله بودن کعبه، الهام بخش ضرورت توحیدگرایی جوامع و تطهیر آنها از هر نوع شرکی است.

ه. مکه به عنوان محبوب ترین سرزمین نزد خدا، بیانگر آرمان شهر بودن آن است. امام صادق علیه السلام فرمود: «محبوب ترین سرزمین نزد خداوند، مکه است. هیچ خاکی نزد خداوند عز و جل، محبوب تر از خاک آن و هیچ سنگی نزد خداوند عز و جل، محبوب تر از سنگ آن و هیچ درختی نزد خدا، محبوب تر از درخت آن و هیچ کوهی نزد خدا، محبوب تر از کوه آن و هیچ آبی نزد خدا، محبوب تر از آب آن نیست» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۲۴۳). همچنان که شدت علاقه و محبت پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت علیهم السلام به مکه، به خوبی جایگاه بلند آن را در مدینه فاضله اسلام نشان می دهد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، خطاب به مکه فرمود: چه شهر پاکی! و چه قدر نزد من محبوبی! اگر نبود که قوم مرا از تو بیرون کردند، در جایی جز تو ساکن نمی شدم (محمدری شهری، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

و. «نخستین بیت بودن کعبه» برای بشریت، از جهت عبادت و هدایت و برکت، الهام بخش این حقیقت است که جامعه و شهر و هر خانه ای، باید نسبت خود را با کعبه مشخص کند؛ چون کعبه اولیت دارد و همه چیز ذیل آن قرار می گیرد. در غیر این صورت، اولیت کعبه حفظ نمی شود: «انَّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۶). مقصود از «وضع بیت» برای بشریت، وضع آن برای عبادت آنهاست. لذا آن را موصوف به مبارک و هدایت کرد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۵۰). همچنین، اول بودن کعبه معنای نفسی دارد، نه نسبی؛ یعنی کعبه مسبوق به مثل نیست. لذا دومی برای کعبه فرض ندارد تا ملحق یا آخر آن باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۱۲۰). کعبه با ویژگی مبارک و هدایت بودن و نیز جایگاه عبادت، اولیت نفسی پیدا کرده است و این اولیت از آن سلب نمی شود. لذا همگان مأمور به توجه و اقبال به کعبه هستند. شاید همین ویژگی اولیت سبب شده که کعبه بیت عتیق باشد: «وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج: ۲۹)؛ چه اینکه برخی مفسران به این نکته اشاره کرده اند که کعبه به سبب قدمتش و اینکه اولین بیت برای عبادت است، بیت العتیق نامیده شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۷۱).

ز. منزلت و ویژگی های فراوانی که برای شهر مکه، کعبه و مشاعر مقدس مکه، در قرآن کریم بیان شده است، این شهر را به نصاب آرمان شهر الهی رسانده است. ویژگی هایی از قبیل برکت، هدایت،

امنیت، طهارت، ذکر خدا و عبادت، تذکیه و تطهیر و تقوی، قیام و قوام انسان‌ها، ولایت، برائت، مشاهده منافع و مصالح و... که در ادامه، به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

مکه سرشار از نمادهای الهی

نمادها، نظامی از نشانه‌ها برای معانی خاصی است که به صورت ارادی و اعتباری، برای هدفی وضع می‌شوند. نماد بخش مهمی از فرهنگ است که انتقال معانی و مفاهیم را برای افراد و از نسلی به نسل دیگر، ممکن ساخته و روابط عینی انسان‌ها را تسهیل می‌کند. در زندگی اجتماعی، نمادها معمولاً با اعتبار جامعه و قرارداد انسانی وضع می‌شوند، ولی در حوزه دین و مشخصاً اسلام، نمادها به جعل الهی و به دلیل نقشی که در سعادت آدمی دارند، در حوزه شریعت وضع می‌شوند. مکه آرمان‌شهر اسلامی، کعبه و نیز مناسک حج، سرشار از شعائر الهی و نمادهای اسلامی است و از چنان معانی عمیق، حیات‌بخش و هویت‌سازی برخوردار است که نه تنها برای زائران خود، بلکه برای همه جهانیان هدایت بوده، تجدید حیات اسلامی را به ارمان می‌آورد. این ویژگی‌های نمادین، فرهنگ خاصی را برای شهر مکه رقم می‌زند. بهترین تعبیری که خود قرآن کریم در این باره به کار برده، «شعائر الله» است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهُدَىٰ وَلَا الْآقْلَانِدَ وَلَا أَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ» (مائده: ۲). شعائر، جمع شعیره، به معنای علامت و نشانه است. مقصود آیه شریفه، نشانه‌های حج و مناسک آن است. آیه شریفه با تعبیر «لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ»، از بی‌مبالاتی به حرمت و منزلت این شعائر باز می‌دارد (همان، ج ۵، ص ۱۶۲). در این آیه، خداوند متعال زمان و مکان حج، حج‌گزاران و عمره‌گزاران، بلکه افرادی که از دورترین نقاط عالم رهسپار بیت‌الله الحرام می‌شوند و هنوز به حرم، بلکه به میقات نرسیده‌اند، همچنین قربانی حج، حتی کفشی را که به نشان قربانی بر گردن حیوان می‌آویزند، همه را از شعائر الهی برشمرده و صفا و مروه را هم از شعائر الله می‌نامد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۶).

تعبیر «شعائر الله»، که بیانگر انتساب این شعائر به خداست، حقیقت و روح این شعائر را آشکار می‌سازد. روح شعائر الهی، اظهار توحید و عبودیت انسان در برابر خداست. در جای‌جای مکه و مناسک حج، حقیقت الوهیت خدا و بندگی انسان، خود را در پس شعائر و نمادهای الهی نشان می‌دهد. معانی گسترده‌ای از قبیل اولین معبد الهی، برکت برای جهانیان، هدایت برای بشریت، مایه قیام و قوام دین و جامعه بشری، تعبد و تسلیم و تواضع در برابر خدا، امنیت و حرمت، پاکی و طهارت، نزاهت معنوی، تقوا و تربیت، ذکر خدا، منفعت دنیوی و اخروی، توحیدگرایی فردی و اجتماعی، تساوی در رنگ و نژاد و جغرافیا، وحدت و یکپارچگی، پیوند عمیق با ولایت و امامت، بیزاری و برائت از اولیاء

کفر و شرک، حرکت در مراحل و مدارج توحیدی، تا وصول به اوج مقام قرب، معاشرت و روابط نیکو، خدمت به خلق، توجه به مصالح و منافع مسلمانان و... هر یک از این معانی، از ناحیه مناسک و مشاعر مکه به نمایش گذاشته می‌شود. به یقین الهام‌بخش تحقق جامعه‌ای با فرهنگ و هویت اسلامی و به مثابه آرمان شهر امت اسلامی خواهد بود.

توحیدگرایی بنیاد آرمان شهر اسلامی

اهداف و غایات، مهم‌ترین عامل اجتماع انسانی، پیدایش شهرها، جوامع مختلف و جهت‌دهنده فرهنگ آنهاست. اساساً هویت هر جامعه‌ای به نوع اهداف آن وابسته است. غایات جوامع بدون ملاک شکل نمی‌گیرد، بلکه به شدت وابسته به تعریفی است که از هستی، انسان و مسئولیت‌ها و رسالت‌های انسانی می‌شود. همین اصول است که جامعه و ساختارهای آن را تنظیم می‌کند. در نگاه توحیدی به هستی و انسان، بنیادی‌ترین غایت جامعه انسانی، ایمان و یقین به مبدأ متعال و قیامت و حرکت در مسیر توحیدی، یعنی الوهیت خدای یگانه و عبودیت انسان است. چنین رویکردی، تمدن و جامعه بشری را در طول تاریخ مسئول رسالت و پیام توحیدی انبیاء ساخته است و به تناسب نوع عکس‌العمل انسان‌ها، گروه‌بندی جامعه در ادبیات دینی، به مؤمن و غیرمؤمن تقسیم شده، هویت ایمانی و غیرایمانی را برجسته کرده است. وقتی هدف اصلی جامعه ابراهیمی از بناء کعبه و محوریت آن، از صحنه فرهنگ و سیاست، به فراموشی سپرده شد، دعوت به توحید و نفی شرک به اصلی‌ترین و مهم‌ترین پیام نبوی در مکه تبدیل گشت:

بگو آری پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است دینی پایدار آیین ابراهیم حق‌گرای و او از مشرکان نبود بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است [که] او را شریکی نیست و بر این [کار] دستور یافته‌ام و من نخستین مسلمانم (انعام: ۱۶۱-۱۶۳).

مکه با چنین مبنایی، هدف خدا و مظهر توحید و عبودیت خالصانه و بهترین سرزمین در تجلی توحید و عبودیت شد. چون حفظ حریم باعظمت آن و انجام ادب بندگی مناسب شأن آن، جز از ناحیه اولیاء خدا، از عهده کسی ساخته نیست. سکونت دائمی آن در شریعت مکروه اعلام شد. مکه از این جهت، الگویی برای بازسازی شهر و جامعه است. بنیان و غایت اساسی جامعه و شهر، باید توحید و عبودیت و تطهیر از همه مظاهر شرک و بت‌پرستی باشد. این به مثابه روحی است که در همه اجزا و عناصر فرهنگ، اعم از اجزای مادی فرهنگ (تکنولوژی، ساخت‌وساز شهر، و...) و عناصر معنوی آن (باورها و ارزش‌ها، هنرچهارها و رفتارها، آداب و رسوم، هنر و...) تجلی می‌کند. توحیدی شدن شهر و جامعه،

دارای لوازم بسیاری است که در مکه و مناسک آن به گونه‌ای خاص، و در سایر شهرها و جوامع، الهام‌یافته از مکه تجلی می‌یابد که کمترین آن، توجه به قبله‌گاه توحید در عبادات و مناجات، که منبع تغذیه روح انسان است و در ذبح حیوان، که منبع تغذیه جسم آدمی. در مکه اصالت با یک صدا است، یعنی صدای توحیدی است. از منظر اسلام، تک‌صدایی یا چندصدایی خود مبنا نیست، بلکه بستگی به ماهیت دعوت و پیام دارد. صدای اغواگر شیطان و طواغیت در هر قالب و نامی، مردود اسلام است. اگر تک‌صدایی، صدای خدای واحد قهار باشد، صدای مطلوب و مقبول می‌باشد. در این آرمان‌شهر، تنها صدای اجابت انسان‌ها به ندای توحیدی است که چنین طنین‌انداز می‌شود: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ...».

۱. شهر محبوب

همان‌طور که گذشت، مکه محبوب‌ترین سرزمین نزد خدا، پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام است. آرمان‌شهر بودن مکه، با معیار تجلی توحید و اخلاص در عبودیت، الهام‌بخش این اصل مهم اجتماعی است که تنها جامعه‌ای شایسته محبوبیت است که مهم‌ترین جلوه و چهره آن، توحید و عبادت خدا باشد؛ شهری که از همه آثار و نشانه‌های کفر و شرک پیراسته بوده، و از دعوت به توحید و عبادت موج زند. چنین شهری شایسته دل‌بستن و دوست داشتن است. مطابق تعالیم قرآن کریم، معیار انتخاب شهر برای زندگی امکان عبادت خداست. لذا فرمود: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (عنکبوت: ۵۶). هرگاه چنین امکانی فراهم نبود و در مقابل، مهاجرت فراهم بود، باید هجرت کرد: «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» (نساء: ۹۷). بنابراین، محبوبیت و منفوریت شهر، دایره‌مدار امکان و عدم امکان زندگی مؤمنانه است. محبوب‌ترین شهر، شهری است که نه تنها محدودیت و تضییقی در انجام وظایف بندگی نباشد، بلکه قوانین و چارچوب‌ها و نمادهای آن تسهیل و تشویق‌کننده آن باشد. مکه در بالاترین حد از چنین خصوصیتی برخوردار است.

۲. مشعل هدایت

هدایت در مقابل ضلالت، از مفاهیم بنیادین فرهنگ اسلامی است. همه باورها و ارزش‌های اسلامی، ویژگی هدایت‌گری به سوی سعادت حقیقی انسان را دارد. مکه و بیت‌الله الحرام، مشعل فروزان هدایت در جهان فرو رفته در ظلمات است. کعبه دو ویژگی مهم دیگر هم دارد: یکی برکت و دوم هدایت. «أَنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل‌عمران: ۹۶). امروزه ظلمت و جهالت،

بخش معظم جهان را در حوزه‌های مختلف علم، سیاست، فرهنگ و اقتصاد فرا گرفته، سیاست‌گذاری‌ها در فضای تاریک مادیت و اومانیزم، به نفع نظام سرمایه‌داری انجام می‌شود. جوامع و نهادهای آن، به دلیل ابتنا بر مفاهیم جدید مبتنی بر نظم این جهانی و معطوف به مادی‌گرایی، نمی‌توانند افراد را به سوی ارزش‌های انسانی و سعادت ابدی هدایت کنند. از این‌رو، بشریت بیش از هر زمان دیگر، نیازمند بیت مبارک و هدایت‌بخش است. بدون کعبه و حج، جوامع انسانی خانه مبارک و هدایت را از دست خواهد داد. از دعوت و فراخوان ابراهیمی، تا ایام جاهلی، که به‌عنوان عمل به شریعت ابراهیم، حج بجای می‌آوردند و همگان عظمت آن را پاس می‌داشتند، از آن جهت بود که حج زمینه‌توجه به خدای متعال را فراهم می‌کرد. این خود، نوعی هدایت است. هدایت بودن کعبه پس از ظهور اسلام چنان است که نام کعبه در شرق و غرب عالم فراگیر شده، در عبادات مسلمانان و قیام و قعود و دیگر شئون آنها، خود را عرضه کرده است. لذا کعبه در همه مراتب هدایت از خطوط ذهنی تا انقطاع تام که «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه: ۷۹)، به‌عنوان چراغ هدایت محسوب می‌شود. همچنین کعبه در تأمین سعادت دنیوی، هدایت برای جهان اسلام است؛ زیرا موجب ایجاد وحدت کلمه و یکپارچگی امت اسلامی و مشاهده منافع آنهاست. کعبه برای غیرمسلمانان هم هدایت است؛ زیرا آنها را با فواید چنین وحدتی آشنا می‌سازد. بنابراین، کعبه از هدایت مطلق برای کل بشریت و در همه مراتب هدایت برخوردار می‌باشد: «هُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۵۱-۳۵۲). البته روشن است که هدایت بودن کعبه دارای مراتب و به تناسب افراد است. یکی از ابعاد هدایت‌بخشی کعبه، مناسکی است که برای آن انجام می‌شود.

نور هدایت، معرفت، شعور و شناخت در تار و پود حج تعبیه شده و هنگامی زائر خانه خدا از این خصلت هدایتگری و نور عرفان حج بهره خواهد گرفت که روح حج ابراهیمی و شریعت محمدی ﷺ را در اعمال و مناسک جاری سازد، تا مناسک و مشاعر را معنا و مفهوم بخشد و از «عرفات» عرفان را و از «مشعر» شعور را و از «منا» صدق و صفا را و از «مشاهد» شهود را و از «سعی» انقطاع را و از «طواف» عشق و فنا را و از «زمزم» علم نافع را به ارمغان آورد و با غنای روحی با ره‌توشه‌ای وافر برگردد (رهبر، ۱۳۷۷، ص ۲۳۶).

۳. قداست بی‌نظیر

مفهوم «قداست» را حلاله‌ای از عظمت و طهارت احاطه کرده است. در واقع مکه و مشاعر آن، از چنان قداست و حرمتی برخوردار است که همه افراد را غرق در کرامت و تقدیس می‌کند. محرّمات احرام، نمونه‌ای از آداب و هنجارهای لازم برای بازسازی افراد، به تناسب چنین حرمتی است. هیچ مسلمانی

بدون احرام، حق ورود به این شهر را ندارد. در منطق اسلام، حرمت و ارزش شهر و جامعه به امکانات مادی آن نیست، بلکه به نوع انتساب آن به خدا و اولیاء اوست؛ یعنی هرگاه جامعه و شهر به گونه‌ای قابلیت انتساب به خدا و اولیاء او را داشته باشد، بهترین جامعه و شهر است. مکه شهری همسان دیگر شهرها نیست، بلکه انتسابی تشریفی به خدای متعال دارد. همانند ماه مبارک رمضان که ماه خداست، مکه هم شهر خداست: «إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ أُعْبَدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا» (نمل: ۹۱). در این آیه شریفه، از دو جهت به مکه شرافت داده شده است: یکی، از جهت اضافه رب به آن است. دوم، از جهت توصیف به حرمت (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۴۰۴-۴۰۳). از این رو، این شهر حرمت مضاعفی دارد: «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدِقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» (حج: ۲۵). چنین حرمت و قداستی، آثار و پیامدهای مهم معنوی و اجتماعی به دنبال دارد. خانه‌ای که مورد تقدیس و احترام همگانی است، قبله‌گاهی که مسلمانان از همه نقاط جهان، به هنگام نماز و نیاز رو به سوی او می‌ایستند؛ حالات شریفه و اعمال صالحه خود را وقتی در درجه کمال فضیلت می‌شناسند که به سمت کعبه انجام شود؛ ذبائح خود را وقتی پاک و حلال می‌دانند که رو به سمت کعبه سر بریده شود؛ مردگان خود را به سمت کعبه در قبر می‌خوابانند؛ در دورترین نقاط عالم و در مخفی‌ترین مکان‌ها هم مراقبند که به هنگام قضای حاجت، رو به سمت قبله یا پشت به سمت قبله نباشند؛ چنین نقطه‌ای که بیت حرام و خانه محترم و مورد احترام عمومی است، بی‌تردید عامل ابقای امت و جامع پراکندگی جمعیت و مرجع و پناهگاه ستمدیدگان و خانه امن ترسیدگان خواهد بود. روشن است که این همه آثار حیاتی، معلول همان حرمت و قداستی است که خدا برای آن خانه قرار داد (حسینی ادیبانی، ۱۳۸۵، ص ۲۴-۲۵).

۴. تجلی شکوه

مکه و حج، عزت و شکوه خاصی دارد. شاید هیچ عبادت فردی و جمعی شکوه و عظمت مناسک جمعی حج را به دنبال ندارد. ممنوعیت ورود غیرمسلمان به مکه، پوشیدن لباس احرام، حرکت جمعی در طواف بیت‌الله، و در سعی صفا و مروه، جمعیت بیکران عرفات، مشعر و منا، به‌ویژه رمی جمرات و برائت از مشرکان جلوه‌های باصلابتی از شکوه و عزت مسلمانان را در برابر دیدگان ترسیم می‌کند. هرچه قرب مکانی و معنوی به مظاهر توحید بیشتر باشد، به همان میزان شکوه و عظمت بیشتری پدید خواهد آمد. این پیام روشنی به جوامع اسلامی است که تنها در سایه اندیشه و مناسک توحیدی می‌توانند به چنین عزتی برسند: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ» (فاطر: ۱۰). یکی از ویژگی‌های جامعه اسلامی، که از کعبه الهام می‌گیرد، عزت و شکوه جهانی آن است. درحالی‌که دنیای

اسلام از فقدان یا ضعف آن رنج می‌برد. امروزه طواغیت حاکم بر کشورهای اسلامی و روشنفکران وابسته و واسطه نفوذ قدرت‌های استعماری، به جهت حقارت خود، عزت و شکوه خود را ذیل دنیای غرب و در پذیرش قواعد سطله آنها تعریف کرده‌اند. این از بزرگ‌ترین مشکلات دنیای اسلام است.

۵. پرچم جهانی

امروزه پرچم به نشانه هویت و علامتی برای فرهنگ و ملیت جوامع تبدیل شده است. در گذشته، پرچم نشانه‌ای بود برای هدایت کسانی که در مسیر حرکت بودند تا به مقصد برسند و به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام، کعبه به‌عنوان عَلم اسلام یاد شده است: «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا» (نهج البلاغه، خ ۱). همان‌گونه که لشکر را با پرچم برافراشته به مقصدشان هدایت می‌کنند، خداوند متعال کعبه را پرچم اسلام، یعنی نشانه و عَلم طریق الی الله و سلوک بر صراط مستقیم قرار داد تا به اسلام حقیقی هدایت شوند (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۳۵). در اسلام، کعبه به‌عنوان بلندترین نشانه معنوی اسلام است که قامتی جهانی دارد و بیانگر هویت توحیدی امت اسلامی است. لذا در روایات ما تأکید شده که (در اطراف کعبه)، هیچ بنایی را بلندتر از کعبه نسازید: امام باقر علیه السلام فرمودند: «لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرْفَعَ بِنَاءً فَوْقَ الْكَعْبَةِ» (صدوق، بی تا، ص ۴۴۶). قرآن کریم، مجموعه مناسک حج را به‌عنوان شعائر یاد می‌کند. شعائر، یعنی نشانه‌ها که به نوعی بیانگر پرچم بودن آن است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَ لَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ لَا الْهُدَى وَ لَا الْقَلَائِدَ وَ لَا آمِنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ» (مائده: ۲). این نشانه، همانند نماز جماعت است که بیگانه با تظاهر و ریا است، بلکه هر فردی مکلف است با اخلاص در آن شرکت کند. ولی نماز جماعت پرچم و نمادی برای عبادت است. حج و کعبه بر مبنای اخلاص عمل برای خدا شکل می‌گیرد، ولی پیامد اجتناب‌ناپذیر آن، تجلی جهانی آن همچون پرچمی برای امت اسلامی است. این پرچم، نماد دعوت جهان به توحید و پرچم عظمت و شکوه مسلمانان در ذیل کعبه است. پرچم امت اسلامی، عاری از هر نوع قومیت‌گرایی، نژادپرستی، منطقه‌گرایی و هر نوع رنگ و زبانی است و تنها مبتنی بر فطرت پاک توحیدی است. لذا هویتی جهان‌شمول دارد. دنیای اسلام برای تمایز خود و بیان افتخارات خویش، باید به دنبال چنین پرچمی باشند.

۶. قبله کرامت

کرامت، یکی از اصول اخلاق الهی و انسانی و مایه شرافت یک فرهنگ است. افراد در جامعه‌ای که احساس کرامت نکنند، زندگی ذلت‌باری دارند. در بسیاری از جوامع کنونی، کرامت‌های اخلاقی در

قبال ارزش‌های مادی فرو ریخته، یا به آن تقلیل یافته است. ظلم‌ها، جنایت‌ها و تحقیرهای قدرت‌های مستکبر و مستبد علیه کرامت انسانی شاهد این مدعاست. درحالی‌که مکه، محل کرامت‌ها و تکریم‌هاست. هر یک از کعبه، مکه و زائران خانه خدا از کرامت خاصی برخوردارند. تعبیر «بیت‌الله»، یا «بیتی»، تعبیری کرامت‌آمیز برای کعبه است. صفت «مکرّمه» برای مکه، نشان از کرامت این شهر دارد. تعبیر «ضیوف‌الرحمن» یا «وفدالله»، بیانگر کرامت حاجیان و معتمران می‌باشد. امیرالمؤمنین ع می‌فرماید: «الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَفَدَّ اللَّهُ وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ وَفَدَّهُ وَ يَحْبُوهُ بِالْمَعْفَرَةِ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۲۳)؛ آن که برای حج یا عمره به زیارت خانه خدا رود، مهمان خداست. این حق خداست که مهمانش را عزیز دارد و مشمول عفو خود قرار دهد. روشن است این تکریم به جهت رجوع به توحید و تطهیر از شرک و غفلت است. مکه، راه کرامت را به جوامع بشری نشان می‌دهد. جوامع اسلامی با تأسی از مکه، باید به دنبال تأمین کرامت‌های اخلاقی توحیدی شهروندان خود باشند. حفظ حرمت مؤمنان و تکریم آنها در بالاترین حد ممکن، نماد زندگی مؤمنانه و نشان مهمی از جامعه اسلامی است.

۷. نماد تواضع

بی‌تردید عبادت و خشوع در برابر خدای متعال، از ارکان بنیادی فرهنگ توحیدی است. جامعه بدون مظاهر عبادت و بندگی خدای متعال، جامعه‌ای شرک‌آلود است. لذا جوامع اسلامی برای اظهار خشوع و بندگی جهت واحدی به نام کعبه را به مثابه نماد تواضع در برابر عظمت الهی، نشانه می‌گیرند: «وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عِلْمَةً لَتَوَاضِعَهُمْ لِعِزَّتِهِ» (نهج‌البلاغه، خ ۱)؛ کعبه را مظهر تواضع بندگان در برابر عظمت خویش و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت خود قرار داد. امام رضا ع یکی از حکمت‌های حج را خضوع و فروتنی و خاکساری در برابر خدای متعال بیان می‌کنند: «مَعَ الْخُضُوعِ وَالْاِسْتِكَانَةِ وَالتَّذَلُّلِ» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۱۳). در جامعه و شهر اسلامی، خودخواهی و قدرت‌طلبی از هر فرد و گروهی، خلاف مسیر آرمان‌شهر اسلامی است. جامعه اسلامی و همه امکانات آن، باید در مسیر حق‌طلبی و بندگی خدای متعال بوده، تواضع و خاکساری در برابر حق در همه سطوح و اقشار مختلف جامعه هویدا باشد. کعبه و طواف دور آن، نماد تواضع و فروتنی در برابر خداست. این امر الهام‌بخش ضرورت وجود چنین نمادهایی در شهرهای اسلامی است. مسجد، مهم‌ترین نماد تواضع مردم در برابر خداست. وجود آن در شهرها، نشان دینداری مردم و تواضع اهل شهر در برابر خدای متعال است. اهتمام به چنین نشانه‌هایی، تعیین اجتماعی خضوع و تذلل در برابر خدای متعال را در فرهنگ نهادینه می‌کند و توحیدگرایی را در تمام تار و پود جامعه عینیت می‌بخشد.

۸. تحول و تطهیر

در اسلام تزکیه و تطهیر انسان از آلودگی‌ها، جزء نخستین اهداف الهی پیامبر اسلام و همه انبیاء است. تحقق چنین هدفی، در ذیل یک فرایند اجتماعی و جمعی به بهترین شکل انجام خواهد شد. همان‌طوری که ایجاد گناه و آلودگی‌ها، از مسیر یک فرایند جمعی آسان‌تر و سریع‌تر و ویرانگرتر است. جامعه بشری، نیازمند چنین فرایند جمعی در تربیت و تطهیر انسان از خلیقات ناپسند و نامطلوب بوده، مکه و مناسک حج، از مهم‌ترین نماد فرایند جمعی در تحقق تطهیر اخلاقی انسان‌ها می‌باشد. فردی که درصدد رفتن به سفر حج و عمره است، باید حلال‌ترین سرمایه را هزینه این راه کند، لباس احرام فراهم کرده، اموال خود را تطهیر، وصیت‌نامه‌اش را تنظیم، حق الناس را ادا و از همه حلالیت بطلبد. از همان گام اول، اینها را به‌عنوان فرار الی‌الله انجام می‌دهد و این سرّی از اسرار حج است. قهراً در همه این حالات، با خداست و سیر چنین کسی «الی‌الله»، «فی‌الله»، «مع‌الله» و «لله» خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ص ۳۴). اینها گام‌های نخستین تطهیر معنوی است، تا آنگاه که لباس احرام بر تن می‌کند؛ یعنی با پرهیز از محرّمات احرام، اوج تطهیر و تحول روحی خود را در مواقیت و مشاعر و کنار بیت‌الله الحرام به دست می‌آورد. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام درباره آثار حج فرمود: «مردم به گزاردن حج فرمان یافتند تا به مهمانی خدای عز و جل وارد شوند و از او طلب افزونی کنند و از گناهانی که بدان آلوده شدند، خارج شوند تا درحالی که از گناهان گذشته توبه کرده‌اند، آغازگر آینده باشند» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۱۳).

زندگی در حیات دنیا و در کنار دشمن دیرینه و کینه‌توز یعنی شیطان، سرشار از لغزش و معصیت است. به‌ویژه وقتی جمع زیادی از افراد درون روابط پیچیده اجتماعی غلط و مبتنی بر ارزش‌های غیرالهی گرفتار شوند. توبه و بازگشت به خدا، تنها راه تجدید حیات انسانی است. ولی حرکت افراد به سوی توبه، در محیط اجتماعی فاسد و غیرالهی بسیار مشکل و مشقت‌زا است. اینجا است که شهر مکه، به‌ویژه حج و بیت‌الله الحرام زمینه تجدید حیات الهی را برای انسان فراهم می‌کند؛ شهری که به واسطه احکام الهی و اعمال عبادی، زمینه بسیار مستعدی را برای تحول اخلاقی و معنوی و تجدید حیات الهی برای انسان به همراه دارد. ازاین‌رو، می‌توان گفت: حج خانه‌تکانی جامعه است. امام باقر علیه السلام فرمود: «مَنْ دَخَلَ مَكَّةَ بِسَكِينَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ» (همان، ج ۱۳، ص ۲۰۳). صدوق حکایت کرده است حج گزاران هنگام خروج از منا، به سوی مکه، از گناهان خود خارج می‌شوند، مثل روزی که از مادر متولد شدند (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۸۰). در

جوامع اسلامی، به هر میزانی که شهرها میدان گناه را فراهم نکنند و زمینه تطهیر معنوی و رشد اخلاقی را فراهم سازند، به همان میزان در راستای مکه بوده و به آن نزدیک است.

۹. امیدآفرین

در یک سطح کلان، می‌توان گفت: یأس، ناامیدی و ناتوانی در رسیدن به اهداف و آرمان‌های ارزشی، سم مهلکی است که یک ملت را به انحطاط می‌کشاند. یأس و ناامیدی فردی، از دام‌های شیطان برای نگون‌بختی گناهکارانی است که ذائقه خود را به زشتی گناه آلوده کردند و روزه‌های امید به بازگشت را از دست داده‌اند. در مقابل، مکه و حج یکی از برجسته‌ترین شاهکار الهی، برای ایجاد امید به نجات و رستگاری است. وعده‌هایی که خدای متعال به بخشش و عفو گناهکاران، در مراحل مختلف اعمال حج و عمره داده است، جوانه‌های امید به سعادت را در دل‌های حج‌گزاران سبزی می‌کند. رسول خدا ﷺ در حجة‌الوداع، هنگام وقوف در عرفات، نزدیک غروب خورشید، فرمود: پروردگارتان در این روز بر شما منت نهاد و نیکوکاران را آرمزید و او را شفیع بذرگارتان قرار داد. درحالی‌که آرمزیده شده‌اید، به سوی مشعرالحرام روانه شوید (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۵۸). امام صادق علیه السلام از «کعبه»، تعبیر به شعبه‌ای از رضوان الهی کرده است: «وَجَعَلَهُ مَحَلَّ أَنْبِيَاءٍ وَ قِبْلَةَ الْمُصَلِّينَ لَهُ فَهُوَ شُعْبَةٌ مِنْ رِضْوَانِهِ وَ طَرِيقٌ يُؤَدِّي إِلَى غُفْرَانِهِ» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۱۱). تعبیر «شُعْبَةٌ مِنْ رِضْوَانِهِ وَ طَرِيقٌ يُؤَدِّي إِلَى غُفْرَانِهِ»، بسیار امیدبخش و جذاب است. هر انسان گناهکاری را به سوی مکه روانه می‌سازد. مکه با چنین جایگاهی، ویژگی آرمانی پیدا می‌کند و همواره آرزوی وصال به آن، دل‌های مشتاقان را مشغول خود داشته، غبار یأس را از ایشان دور می‌سازد.

۱۰. بازشناسی فرهنگی

«تعارف»، اصطلاحی برگرفته از قرآن کریم و به معنای شناخت متقابل یکدیگر است. شناخت متقابل افراد نسبت به یکدیگر در ایام حج، یکی دیگر از ابعاد فرهنگی مکه است. بی‌تردید آشنایی با فرهنگ‌های مختلف درون تمدن اسلامی، گام مهمی در تعاملات درون فرهنگی امت اسلامی است. مکه و حج، بهترین نمونه تعارف و بازشناسی مسلمانان از یکدیگر است تا به جغرافیا، فرهنگ و آداب و رسوم همدیگر آشنا شوند. امام صادق علیه السلام یکی از فواید و جوب حج را چنین تعارفی بیان فرمود: «خداوند در حج اجتماع مردم را از شرق و غرب قرار داد تا یکدیگر را بشناسند ... و به آثار رسول خدا و اخبار او پی برند، تا یادآوری شود و به دست فراموشی سپرده نشود»؛ «فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ

وَالْعَرَبُ لَيَتَعَارَفُوا...» (همان، ص ۱۴). مکه، الهام‌بخش بازشناسی و آشنائی انسان‌ها از مناطق مختلف است. جوامع اسلامی باید زمینه چنین آشنایی را فراهم کنند.

حوزه سیاسی

همان‌طور که گذشت، هیچ حوزه‌ای از زندگی اجتماعی را نمی‌توان بیرون از حوزه فرهنگ و مستقل از آن دانست. در عین حال، با حفظ این اصل، می‌توان از حوزه سیاست سخن گفت. این حوزه، با حوزه فرهنگ به شدت در هم تنیده، تعامل دوسویه‌ای با آن دارد. مباحث گسترده‌ای در ابعاد سیاسی مکه می‌توان گفت که چهره سیاسی آرمان‌شهر اسلامی، یعنی مکه را ترسیم خواهد کرد، ولی در این مقال از چند موضوع مهم سخن خواهیم گفت:

امنیت

«امنیت»، از موضوعات مهم زندگی اجتماعی و از اهداف و آرمان‌های دیرینه بشریت است و از ابعاد فراوانی از قبیل امنیت اقتصادی، جانی و معنوی برخوردار است. اوج این آرمان بشری را می‌توان در مکه مشاهده کرد؛ آنجا که حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند خواست آن مکان را شهر امن قرار دهد؛ مهم‌ترین ویژگی شهر، یعنی امنیت را از خداوند درخواست کرد: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (بقره: ۱۲۶). امنیت چنان اهمیتی دارد که در این آیه شریفه، کنار بهره‌مندی اقتصادی قرار گرفته و دو نعمت الهی شمرده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۵۸۴)، چنان‌که فرمود: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۳-۴). دعای حضرت ابراهیم علیه السلام مستجاب شد. لذا امنیت وصف رسمی این بلد شد و خداوند متعال از مکه به‌عنوان «بلد امین» یاد فرمود؛ «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (تین: ۳). امنیت مکه، به جعل الهی است: «أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا» (عنکبوت: ۶۷). اما وجه تقدیم امنیت بر دعوت به حج و عمره و تقدیم آن بر جلب میوه‌های نواحی دور و نزدیک، (در آیه شریفه «أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ تَمَرَاتٌ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا» (قصص: ۵۷)، از این جهت است که امنیت، دلپذیرترین نعمت فردی و اجتماعی است. در سایه آن، سایر برکات مفقود، موجود می‌شود. چنان‌که با فقدان آن، همه نعمت‌های موجود از دست می‌رود (همان، ص ۵۸۵-۵۸۷).

البته مراد از امنیت مربوط به مکه، امنیت تکوینی نیست تا افراد قدرت ارتکاب جرم و انحراف را نداشته باشند، بلکه مقصود امنیت تشریحی است؛ یعنی حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند خواست که برای مکه حکم حرمت و امنیت وضع کند. این یکی از بزرگترین نعمت‌هایی است که خدا به بندگانش عطا کرد؛ زیرا اگر در این حکم الهی، که به اذن خدا توسط ابراهیم علیه السلام تشریح شد، تأمل کنیم، آنگاه اعتقاد انسان‌ها به تقدیس

این بیت عتیق و به‌عنوان حرم امن الهی، در طول چهار هزار سال تاکنون را مورد توجه قرار دهیم، خواهیم دید که چه خیرات و برکات دینی و دنیوی بیکرانی را داشته است، چه اینکه تاریخ بسیاری از آنها را نقل کرده و آنچه ضبط نشده بیش از آن می‌باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۶۹).

امیرمؤمنان علی علیه السلام، در وصیت خویش در آخرین ساعت عمرش فرمود: «وَاللَّهِ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَاطَرُوا» (نهج البلاغه، ن ۴۷)؛ خدا را خدا را! در مورد خانه پروردگارتان تا آن هنگام که هستید، آن را خالی نگذارید. اگر خالی گذارده شود، مهلت داده نمی‌شوید و بلائی الهی شما را فرا خواهد گرفت. همچنین حضرت فرمودند: «زيارة بيت الله امان من العباد». مشابه این مضمون در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «اگر مردم حج را ترک کنند، از عذاب الهی مهلت داده نشوند (یا حضرت فرمود)، عذاب الهی قطعاً بر آنها فرود می‌آید» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۲۱).

مطلب مهم دیگر اینکه رزق و روزی، در کنار امنیت مکه مورد توجه قرار گرفته است. این امر بیانگر اهمیت رونق اقتصادی در کنار امنیت اجتماعی است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (بقره: ۱۲۶)؛ یا فرمود: «اَوَلَمْ تُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبِّي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رَزَقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنْ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (قصص: ۵۷). واژه «یُجَبِّي» از ماده جبايه، به معنای جمع‌آوری است؛ یعنی ثمرات و میوه‌های بسیاری از چیزها را به مکه می‌کشاند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۶۰-۶۱).

ولایت

بین مکه، به مثابه آرمان‌شهر اسلامی و امام، به مثابه آینه تمام‌نمای صفات جمال و جلال الهی، پیوند وثیقی وجود دارد که نشانه نمادین هویت جامعه اسلامی است. در منطق قرآنی، هویت هر جامعه‌ای به امام آن وابسته است. لذا در قیامت هر امتی را به نام امامش فرا می‌خوانند: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» (اسراء: ۷۱). این امام، اعم از امام حق و امام باطل است. مقصود از امام، کسی است که مردم در راه حق یا باطل به او اقتدا می‌کنند (همان، ج ۱۳، ص ۱۶۶). لذا پذیرش ولایت و امامت کسی، موجب می‌شود افراد به هویت او در آمده، روز قیامت که روز ظهور حقایق است، به او ملحق شوند. در تفسیر برهان ذیل آیه شریفه فوق، این روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «آیا حمد خدا بجا نمی‌آورد که وقتی قیامت می‌شود، هر قومی را به سوی کسی می‌خوانند که آن کس را دوست می‌داشتند؟ ما دست به دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌شویم و شما دست به دامن ما» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۵۵).

مکه، شهر خداست و ولایت بر این شهر، با حضرت ابراهیم، پیامبر عظیم‌الشان اسلام و به دنبال او ائمه معصومین علیهم السلام هستند. حضرت ابراهیم، مأمور پاکسازی کعبه از وجود شرک و بت‌پرستی شد. آنگاه

که خداوند مقام امامت را به او عطا فرمود، این مقام را برای ذریه‌اش هم درخواست کرد که خداوند فرمود عهد من یعنی امامت، به ظالمین نمی‌رسد: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴). آنگاه که حضرت ابراهیم خانوادهاش را کنار بیت‌الله سکونت داد، از خدا خواست تا دل‌های برخی مردم را به سوی آنها برگرداند: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مَنْ النَّاسِ تَهْوَىٰ إِلَيْهِمْ وَأَرْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم: ۳۷). جمله «فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مَنْ النَّاسِ تَهْوَىٰ إِلَيْهِمْ»، ناظر به پیوند کعبه و مکه با امر امامت است؛ امام باقر^ع این آیه را بر اهل بیت تطبیق فرمودند: «هَكَذَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، إِنَّمَا أَمْرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَنْفِرُوا إِلَيْنَا فَيُعَلِّمُونَا وَلِكَايَتِهِمْ وَ مَوَدَّتِهِمْ، وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نُصَرِّتَهُمْ ثُمَّ قَرَأَ هَذَا آيَةَ: فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مَنْ النَّاسِ تَهْوَىٰ إِلَيْهِمْ» (همان، ج ۳، ص ۳۱۳). جمله شریفه «فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مَنْ النَّاسِ تَهْوَىٰ إِلَيْهِمْ»، الهام‌بخش این حقیقت است که جامعه با دل‌سپردن، مهر، محبت و گرایش در احساسات و عواطف نسبت به ولی خدا، که ولی جامعه است، به نصاب جامعه انسانی می‌رسد؛ جامعه‌ای که از این ویژگی بی‌بهره‌اند و به جای آن به اولیاء شیطان متمایل شده‌اند، از قافله ولایت و مودت اولیاء الهی دورند.

در روایات فراوانی قبولی حج و زیارت خانه خدا، به داشتن معرفت اهل بیت مشروط شده است. عبد‌الخالق الصَّيْفِيُّ از امام صادق^ع درباره این آیه شریفه سؤال کرد: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا». حضرت فرمود: از چیزی سؤال کردی که احدی از من نپرسید، مگر کسی که خدا خواست. سپس فرمود: هرگاه کسی قصد زیارت این خانه کند، درحالی که بداند خداوند بدان امر فرموده و ما خاندان را آن‌گونه که شایسته و حق معرفت ماست بشناسد، در دنیا و آخرت در امان خواهد بود (جرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۹۸). همچنین زراره از امام باقر^ع نقل می‌کند که حضرت فرمود: «مردم مأمور شده‌اند به سوی این خانه، که از سنگ‌ها ساخته شده، بشتابند و بر آن طواف کنند، سپس نزد ما بیایند و ولایت و محبت خود و آمادگی‌شان را برای یاری ما عرضه کنند» (صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۹). در روایتی از امام سجاد^ع آمده است که فرمودند: اگر کسی به اندازه عمر نوح، روزها را به روزه‌داری و شب‌ها را به عبادت بین رکن و مقام (در کعبه) بپردازد، ولی ولایت ما را نداشته باشد، چنین عبادتی سودی به حالش ندارد (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۴۵).

در عصر غیبت هم مکه و حج با ولایت حضرت ولی عصر^ع گره خورده است. زراره از امام صادق^ع چنین نقل می‌کند: «آنگاه که مردم را به امام خود دسترسی نیست، او در موسم می‌آید و آنان را

می‌بیند، اما آنها وی را نمی‌بینند (نمی‌شناسند)» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۱۳۵). محمد بن عثمان عمّری، یکی از نواب اربعه امام زمان علیه السلام، می‌گوید: «به خدا سوگند حضرت صاحب‌الامر، همه‌ساله در موسم حج حضور دارد و حج‌گزاران را می‌بیند و می‌شناسد و آنها نیز او را می‌بینند اما نمی‌شناسند» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۲۰). همچنین، خروج حضرت مهدی علیه السلام از مکه و جوار کعبه معظمه خواهد بود (صافی گلپایگانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲۱).

حاصل اینکه، اگر حضور در مکه، که مقدس‌ترین سرزمین است، و اگر انجام حج، که بالاترین عبادت است، بدون ولایت ارزشی ندارد، می‌توان گفت: سایر شهرها و جوامع بدون ولایت، به طریق اولویت، هویت اسلامی نداشته، فرهنگ و زیست اجتماعی آن از نظر اسلام ارزش ندارد. پیوند مکه و حج با امام و ولی الهی، الهام‌بخش ضرورت اتخاذ اولیاء الهی، به‌عنوان بنیان برای جامعه و زندگی اجتماعی است. بدون امام و جانشینان او، شهر و جامعه هویتی جاهلی پیدا می‌کند؛ هرچند از مظاهر تمدن مادی و نظم و انتظام گسترده‌ای برخوردار باشد؛ زیرا امتی که ولایت معصومین و جانشینان آنها را نپذیرند، به‌ناچار تحت ولایت طاغوت قرار می‌گیرد و هویتی طاغوتی کسب می‌کند. مهم‌ترین پیام حج، پذیرش ولایت الهی است و مهم‌ترین رکن توحیدی بودن جامعه و شهر، پذیرش عملی ولایت اولیاء خدا و جانشینان آنهاست. بدون این مهم، همه برنامه‌ها و سیاست‌ها ذیل طاغوت قرار می‌گیرد.

برائت

«ولایت» امام حق و برائت از کافران و مشرکان دو رکن درهم تنیده حج و روح آن است. قرآن کریم، ویژگی مؤمنان واقعی را چنین معرفی می‌کند که هیچ‌گاه با دشمنان خدا و پیامبر رابطهٔ محبت‌آمیز برقرار نمی‌کنند هرچند از بستگان نزدیک‌شان باشند: «قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند، [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند، هرچند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند، دوست بدانند ... خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند. اینانند حزب خدا، آری حزب خداست که رستگاراند» (مجادله: ۲۲). نکته مهم در آیه اینکه ویژگی «حزب خدا» یعنی جامعه ایمانی را «برائت از دشمنان خدا و قطع رابطه مودت با آنها» معرفی کرده است. تنها با وجود چنین شرطی است که از تأیید و رضایت الهی و پیروزی بر شیاطین بهره‌مند خواهند بود. مطابق آیات قرآن کریم، ابراهیم بانی کعبه و آیین حنیف او اساس و معیار آیین اسلام است، در مسئله برائت، سرمشق قرار گرفته و این برائت تا بدانجا پیش می‌رود که به صورت عداوتی آشتی‌ناپذیر نسبت به

مشرکان درمی‌آید، مگر هنگامی که به صراط مستقیم توحید بازگردند (رهبر، ۱۳۷۷، ص ۹۶-۹۷). از این رو، فرمود: «برای شما در (سیره) ابراهیم و یارانش سرمشق نیکویی است، آنگاه که به قومشان گفتند ما از آنچه جز خدا می‌پرستید بیزاریم، نسبت به شما کافریم و میان ما و شما دشمنی و کینه پدید آمده تا به خدای یگانه ایمان آورید» (ممتحنه: ۴). همچنین، در سوره توبه آیات برائت از مشرکان، به صورت صریح توسط امیرالمؤمنان و به دستور پیامبر در اجتماع عظیم موسم حج قرائت شد: «بِرَاءةٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» (توبه: ۱-۳).

برائت تنها راه تسلیم قدرت‌های استکباری

از پیام برائت در حج، که در سال نهم هجری، یعنی اوج قدرت اسلام اتفاق افتاد، و به دنبال آن، زمینه گسترش اسلام و عقب‌نشینی سرکشان را فراهم ساخت و این هشدار سبب اعزام هیأت‌های نمایندگی عرب (وفود)، یکی پس از دیگری به مدینه شد و با پیامبر به مذاکره پرداختند و موجودیت اسلام را باور کردند (رهبر، ۱۳۷۷، ص ۱۰۲)، این الهام مهم را برای جوامع اسلامی به دنبال دارد که برائت و نشان دادن اقتدار اسلام، در نفی قدرت‌های استکباری، یکی از راه‌های مهم عقب‌نشینی آنها و کوتاه آمدن از سر ستیز و پذیرش حضور مقتدرانه اسلام و امت اسلامی در جهان خواهد بود.

بر خلاف کسانی که مذاکره با دشمنان مستکبر و سازش اسلام را راه برون‌رفت از مشکلات می‌دانند، قرآن کریم و تاریخ اسلام در نقطه مقابل این رویکرد، به‌خوبی نشان می‌دهد که برائت مقتدرانه و نفی مظاهر استکباری در جهان، یکی از مهم‌ترین راه‌های گسترش آرمان‌های اسلام و جلب دل‌های میلیون‌ها انسان‌های آزاده‌ای است که مشتاق پیام اسلام هستند. تجربه انقلاب اسلامی ایران هم نشان داده است که یکی از مهم‌ترین راهبرد انقلاب اسلامی در جلب دل‌ها و افکار مردم جهان، گروه‌ها و نخبگان آزاداندیش، ویژگی استکبارستیزی آن بوده است. حج، کانون تجدید حیات این رکن اساسی اسلام در هر سال است، تا مسلمانان اعلام برائت رسمی از مراکز فساد قدرت در جهان و کانون‌های مبارزه با توحید را در کنار کعبه برجسته و اعلام نمایند و از این طریق آنها را به عقب‌نشینی و تسلیم وادار کنند. امام خمینی^ع در پیام تاریخی برائت، چه زیبا مبنای قرآنی این اصل اساسی را برجسته کرده، بر اهمیت و جایگاه خطیر آن در دوران کنونی پافشاری می‌کند:

مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و «الناس» که در آن به هرچه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون‌صفتی و نامردمی است، عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید ميثاق «ألست بربکم»، بت الهه‌ها و اربابان متفرق شکسته شود و خاطره مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حرکت سیاسی پیامبر در «و اذان من الله و رسوله الى الناس يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» زنده بماند؛ چراکه سنت پیامبر ﷺ و اعلان برائت کهنه شدنی نیست ... آیا باید در خانه نشست و با تحلیل‌های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسان‌ها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان‌زادگان را تحمل کرد و... و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت‌پرست‌ها، منحصر به سنگ و چوب‌های بی‌جان بوده است و نعوذبالگه پیامبرانی همچون ابراهیم در شکستن بت‌ها پیش قدم، اما در مصاف با ستمگران صحنه را ترک کرده‌اند؟ و حال آنکه تمام بت‌شکنی‌ها و مبارزات و جنگ‌های حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره‌پرستان مقدمه یک هجرت بزرگ و همه آن هجرت‌ها و تحمل سختی‌ها و سکونت در وادی غیر ذی ذرع و ساختن بیست و فدیة اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن ختم پیام‌آوران، و سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می‌کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی «أنتی بریءٌ ممّا تُشْرکون» ابلاغ می‌نماید ... راستی کدام انسان عاقلی است که بت‌پرستی جدید و مدرن را در شکل‌ها و افسون‌ها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه‌ای که بت‌خانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده‌اند، خبر نداشته باشد ... فریاد برائت ما فریاد برائت امتی است که کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمان‌ها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته‌اند و هیئات که امت محمد ﷺ و سیراب‌شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت‌بار و به اسارت غرب و شرق تن دهند و هیئات که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن و عترت رسول خدا و امت محمد ﷺ و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره‌گر صحنه‌های ذلت‌بار و حقارت مسلمانان باشد! (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۰، ص ۱۱۱-۱۱۳).

شیطان‌ستیزی

رمی جمرات، یکی از واجبات حج است. سنگ زدن به شیطان، نشانه شدت نفرت و تثبیت خصومت با شیطان بوده و اتخاذ رمی به‌عنوان تنها راهبرد مواجهه با شیطان می‌باشد. در رمی جمرات، سیل جمعیت حجاج، همه در جبهه واحد با یک هدف به سوی شیطان رمی می‌کنند و کسی خلاف این جریان حرکت و اقدامی ندارد. از این‌رو، جامعه اسلامی باید پرچم مبارزه با شیطان را برافراشته نگه دارد. معنای این سخن این است که هرچه نماد شیطان و وسوسه‌ها و رفتارهای شیطانی است، باید از جامعه رخت برنندد و تنها نمادهای شیطان‌ستیزی در جامعه نمایان باشد. چنین رهیافتی، فرهنگ عمومی را بیمه

کرده، راه‌های انحراف را مسدود یا محدود می‌سازد. در مقابله با افکار و جریان‌ات شیطانی در جامعه اسلامی، نباید تردید، شقاق و چنددستگی وجود داشته باشد، بلکه همه در صف واحد علیه آن موضع‌گیری و اقدام کنند. تعبیر بلند «رمی استعمار» از سرزمین‌های اسلامی، کلیدواژه‌ای است که بر اساس همین بینش، در ادبیات سیاسی امام خمینی^ع ظهور پیدا کرد (همان، ص ۱۱۴).

چاره‌اندیشی از منافع مسلمین

به تصریح قرآن کریم، حج یکی از کانون‌های مهم بهره‌مندی مسلمانان از منافع آن است: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» (حج: ۲۷-۲۸)، در این آیه شریفه، «منافع» هم جمع است و هم نکره. از این رو، هم بر تنوع این منافع دلالت دارد و هم برنامه‌محدود بودن آن. در روایات دامنه این منافع، «منافع الدنیا و الآخرة» دانسته شده است (معاونت امور روحانیون، ۱۳۸۹، ص ۷۵). امام صادق^ع در پاسخ به این پرسش، که مقصود از منافع در آیه «لیشهدوا منافع لهم» چیست، فرمود: «إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ فَقُلْتُ مَنَافِعَ الدُّنْيَا أَوْ مَنَافِعَ الْآخِرَةِ فَقَالَ الْكُلُّ» (کلینی، ۱۳۶۲، ص ۴۲۲)؛ یعنی مقصود همه منافع دنیوی و اخروی است. امام صادق^ع در روایتی دیگر فرمود: «جَعَلَهَا اللَّهُ لِدِينِهِمْ وَمَعَايِشِهِمْ» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۳۹۱).

تعبیر عام «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»، متقاضی عرضه منافع مختلف جوامع اسلامی در حج است؛ اعم از منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. مکه و حج، مهم‌ترین کانون توجه مسلمانان از اقصا نقاط عالم برای حل مشکلات خود و تحقق منافع و مصالح آنها است. چنین مهمی، الهام بخش نهایت توجه اسلام به مسائل جهانی مسلمانان و رویکرد جهانی حجاج است. مکه با چنین خصوصیتی، الهام‌بخش جوامع اسلامی در توجه به مشکلات و مسائل یکدیگر است. اما در عصر حاضر، حج از اهداف و منافع خود بسیار فاصله گرفته است و نه تنها زمینه عرضه منافع مسلمانان مسدود و بسیار محدود شده، بلکه فضای حج و مدیریت و تدبیر آن، اسارت حج و کعبه را به ارمغان آورده و به بازاری برای ترویج کالای قدرت‌های استعماری و افکار انحرافی تبدیل شده است. جوامع اسلامی، با الهام‌گیری از این نقش کعبه و با محوریت آن، باید بر اساس همگرایی تمدنی مبتنی بر اسلام، دنیای اسلام را به کانونی برای بهره‌مندی از منافع امت اسلامی تبدیل نمایند. بازشناسی منافع و مضار امت اسلامی و تلاش در تعامل هرچه نزدیک‌تر دنیای اسلام برای استقلال و انتفاع درون تمدنی، گام بلندی است که با حاکمان وابسته و روشنفکران غرب‌گرای دنیای اسلام قابل تحقق نیست. اما بیداری اسلامی روزنه‌های امید را در رستاخیر استقلال‌طلبی مبتنی بر اسلام روشن کرده است.

تراز نفی تبعیض

مکه، تراز نفی تبعیض نژادی و تساوی انسان‌ها از جهت رنگ و خون و جغرافیاست. در حج از فقیر و غنی، سیاه و سفید، امیر و عبید همه و همه، از همان آغاز مناسک، باید کلیه امتیازات و مناسب و منزلت خود را کنار بگذارند؛ زیرا «انَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سِوَاءِ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْأَبَادِ» (حج: ۲۵)؛ بی‌گمان کسانی که کافر شدند و از راه خدا و مسجد الحرام، که آن را برای مردم اعم از مقیم در آنجا و بادیه‌نشین یکسان قرار داده‌ایم، جلوگیری می‌کنند. مکه به معنای نفی همه نابرابری‌های کاذب و ظالمانه و تثبیت برتری به ملاک تقوا و تقرب به خدای متعال است. از این رو، فرمود: «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لِحُومِهَا وَلَا دِمَائِهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ» (حج: ۳۷)؛ هرگز [نه] گوشت‌های آنها و نه خون‌هایشان به خدا نخواهد رسید، ولی [این] تقوای شماست که به او می‌رسد.

یک‌شکلی لباس و یکسانی اعمال از یک‌سو، و ضرورت مدارا و کمک و خدمت‌رسانی به حجاج از سوی دیگر، نشانی از حاکمیت روح برادری و نفی هر نوع امتیازخواهی و تبعیض در حج می‌باشد: «سِوَاءِ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْأَبَادِ». در حج جاهلی، نمونه‌هایی از تبعیض وجود داشت که اسلام آنها را نفی کرد. برای نمونه، قریش و مجاورین، حرم خود را اهل الله دانسته و از وقوف به عرفات و حرکت از عرفات به مشعر الحرام (افاضه) مستثنا می‌دانستند و آن را وظیفه کسانی می‌دانستند که از خارج مکه، برای زیارت کعبه می‌آمدند. این تبعیض ناروا در اسلام برداشته شد: «ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ» (عمید زنجانی، بی تا، ص ۸۸-۸۹). در جامعه و شهر اسلامی، همه مسلمانان و مؤمنان از جهت تعلق به جغرافیا، یا زبان و نژاد خاص مساوی بوده و امتیاز ویژه‌ای نمی‌گیرند.

تراز ملت واحد

امروزه ملیت را بر اساس دولت-ملت و با معیار مرز جغرافیایی و دولت سیاسی تعریف می‌کنند؛ امری که جسم انسانی و خاک زمینی تعیین‌بخش آن است. در حالی که اسلام به روح انسانی و وحدت معنوی ایشان در هویت‌ها می‌اندیشد. در ایام حج، مکه شاهد عضویت رنگ‌ها، تیره‌ها و نژادهای گوناگونی در این شهر است که تنها اشتراک در دین و وحدت در هویت معنوی، آنها را تبدیل به ملت یا امت واحدی کرده است. آنان هیچ‌گونه تفاوتی در بهره‌مندی از فضای مادی و معنوی شهر ندارند: «وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سِوَاءِ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْأَبَادِ» (حج: ۲۵). این اجتماع، هر چند با منطق این جهانی معاصر از ملیت‌های مختلف‌اند، ولی در نگاه اسلام از ملیت واحدی برخوردار می‌باشند. این ویژگی مکه، الهام‌بخش این حقیقت است که جامعه و شهر اسلامی، باید به جایگاه اصیل و نخستین خود در

وحدت ملیت اسلامی برسد و مرزهای تمایز و تفکیک استعماری را از دست و پای امت اسلامی باز کرده، یا حداقل کم‌رنگ نماید. جامعه اسلامی بین افراد مسلمان ساکن یا مسافر، نباید تفاوتی قائل شده و آنها را به شهروند درجه اول و دوم یا چندم تقسیم نماید. رسیدن به این نقطه آرمانی، که فرسنگ‌ها با آن دور هستیم، نیازمند تحولی اساسی در دنیای اسلام است.

نتیجه‌گیری

با مروری بر ویژگی‌های نمادین مکه و مناسک حج، که بیانگر حقایق الهی است، می‌توان الگویی از آرمان‌شهر امت اسلامی را ترسیم کرد که در آن، بر مبنای توحید و عبودیت، نقشه جمعی از شهر آرمانی اسلام را مشاهده کرد. جامعیت و گستردگی این معانی به گونه‌ای است که مانع هرگونه محدوداندیشی و یک‌بعدی‌نگری در ترسیم آرمان‌شهر اسلامی است. توحیدگرایی، به مثابه روح اعمال و مناسک حج، همه اجزای آن را به انسجام رسانده، نمایشی از عبودیت جمعی انسان‌ها در برابر محبوب و معبود حقیقی و طرد هرگونه استکبار و شرک را عرضه می‌کند. آرمان‌شهر امت اسلامی، کانون هدایت و نورانیت است و افکار و رفتار و همت‌های انسانی را در مسیر قرب به خدای متعال جهت‌دهی می‌کند. کعبه و حرم امن الهی، چنان دارای آثار شگرف، جامع و مؤثری در زائران و طواف‌کنندگان است که در همه عمر، انجام یک بار آن برای واجدین استطاعت کفایت می‌کند؛ هرچند تکرار آن استحباب دارد. اولیت کعبه، جایگاه رفیعی را برای آن در آرمان‌شهر اسلامی ترسیم می‌کند که همواره باید الهام‌بخش جوامع اسلامی باشد. شهری که عظمت و حرمت خود را در ظهور آیات الهی، و تجلی نهایت عشق و شور و طواف گرد خانه محبوب نشان می‌دهد. از این رو، منافع جامع آن در کنار امنیت کامل، کرامت در کنار تواضع، ولایت در کنار برائت و تشکیل امت واحده اسلامی، در مقابل امت کفر، نویدبخش تشکیل و ترفیع جایگاه امت اسلامی در تعامل با یکدیگر برای استفاده هرچه بیشتر از ظرفیت‌های خود، در مسیر حیات توحیدی است.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۰۴ق، ترجمه محمد دشتی، قم، هجرت.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل، ۱۴۰۸ق، لسان العرب، بی جا، دار احیاء التراث العربی.
- ابن میثم، ۱۳۶۲، شرح نهج البلاغه، چ دوم، بی جا، دفتر نشرالکتاب.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- بیرو، آلن، ۱۳۷۵، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر سروخانی، چ سوم، تهران، مؤسسه کیهان.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶ الف، جرعه ای از صهبای حج، چ ششم، تهران، مشعر.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تسنیم، چ دوم، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶ ب، صهبای صفا، چ دهم، تهران، مشعر.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۲ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، قم، مؤسسه آل البیت.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، ۵ جلد، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- رهبر، محمدتقی، ۱۳۷۷، ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، تهران، مشعر.
- سهروردی، شهاب الدین (شیخ اشراق)، ۱۳۷۵، رسائل شیخ اشراق (رساله فی حقیقه العشق)، محقق / مصحح: هانزی کرین و سیدحسین نصر و نجفعلی حبیبی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، بی تا، منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر، قم، دفتر مؤلف.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۴ق، من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- صدوق، محمدبن علی، بی تا، علل الشرائع، قم، داوری.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- عمید زنجانی، عباسعلی، بی تا، در راه برپایی حج ابراهیمی، تهران، مشعر.
- فارابی، ابونصر، بی تا، کتاب السیاسة المدنیة، بی جا، مکتبه الهلال.
- فضل الله، محمدحسین، ۱۴۱۹ق، تفسیر من وحی القرآن، چ دوم، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۲، الکافی، چ دوم، تهران، ناشر اسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، حج و عمره در قرآن و حدیث، تهران، نشر مشعر.
- معاونت امور روحانیون، ۱۳۸۹، درسمانه پیش درآمدی بر فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، چ چهارم، تهران، مشعر.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۶۹، صحیفه نور، تهران، سروش.